

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۲ دی ۱۳۹۸

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

مصادف با: ۱۶ جمادی الاولی ۱۴۴۱

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

جلسه: ۱۹

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۵۸۶: «التیمم الذی هو بدل عن الوضوء لا يلحقه حکمه فی الاعتناء بالشک إذا كان فی الأثناء و کذا الغسل و التیمم بدله بل المناطق فیها التجاوز عن محل المشکوک فيه و عدمه فمع التجاوز تجری قاعدة التجاوز و إن كان فی الأثناء، مثلاً إذا شک بعد الشروع فی مسح الجبهة فی أنه ضرب بیدیه علی الأرض أم لا یبنی علی أنه ضرب بهما و کذا إذا شک بعد الشروع فی الطرف الأيمن فی الغسل أنه غسل رأسه أم لا لا یعتنی به، لكن الأحوط إلحاق المذكورات أيضاً بالوضوء»^۱.

به نظر مرحوم سید، تیمم بدل از وضو، در اعتناء کردن به شکی که در اثناء تیمم باشد، حکم وضو را ندارد و همچنین، غسل و تیمم بدل از غسل [در اعتناء کردن به شکی که در اثناء غسل و تیمم باشد]، حکم وضو را ندارد، بلکه مناط در این سه مورد [تیمم بدل از وضو، غسل و تیمم بدل از غسل]، تجاوز از محل مشکوک^۲ فيه و عدم تجاوز از آن محل است که در صورت تجاوز، قاعده تجاوز جاری می شود، هر چند که شک در اثناء باشد [بر خلاف شک در اثناء وضو که حکمش این بود که قاعده تجاوز جاری نمی شود، بلکه شخص باید آن جزء مشکوک را دوباره انجام بدهد]، مثلاً اگر شخص بعد از شروع در مسح پیشانی [در تیمم] شک کند که آیا دو دستش را بر زمین زده است یا نه، بنا را بر این می گذارد که دو دستش را بر زمین زده است و همچنین، اگر بعد از شروع به غسل طرف راست بدن، شک کند که سرش را شسته است یا نه، به این شک اعتنا نمی کند، لکن احتیاط [مستحب] این است که شک در اثناء در موارد سه گانه مذکور [تیمم بدل از وضو، غسل و تیمم بدل از غسل] نیز به شک در اثناء وضو ملحق می شود [یعنی باید جزء مشکوک در تیمم و غسل را اعاده کند].

وقتی به کلمات قدما رجوع می شود، مشخص می شود که از قدما کسی متعرض مسأله شک در اثناء تیمم و غسل نشده است و اولین کسی که بحث شک در غسل و تیمم را مطرح کرده است که اگر کسی از جزئی تجاوز کرد، آیا به این شک اعتنا بکند یا اعتنا نکند، مرحوم علامه (ره) است.

دلیل بر حکم مذکور، این است که لزوم اعتنا به شک قبل از فراغ از واجب مرکب این است که اختصاص به وضو دارد، یعنی اگر آن روایت خاص مربوط به وضو نمی بود، بنا بر قاعده تجاوز گذاشته می شد، پس علت اینکه بحث تیمم و غسل را مطرح نکرده اند به این دلیل بوده است که وضو یک استثناست و دلیل خاص دارد اما در غیر وضو، ملاک، قاعده تجاوز است و ما نمی توانیم از آنچه در باب وضو گفته ایم تعدی کنیم و آن را به باب تیمم بدل از وضو، غسل و تیمم بدل از غسل تسری دهیم، بنابراین، احکام وضو را نمی توان در غیر وضو پیاده کرد چون وضو تخصیص خورده است و چون تخصیص خورده است به همان مورد تخصیص

توجه می‌شود و این تخصیص به سایر موارد تسری داده نمی‌شود و لذا ملاک در غسل، تیمم بدل از وضو و غسل، تجاوز است که اگر تجاوز حاصل شده باشد به شک در اثناء غسل و تیمم اعتنا نمی‌شود و اگر تجاوز حاصل نشده باشد، به شک مورد نظر اعتنا می‌شود.

توجه به این نکته لازم است که مطرح شدن قاعده تجاوز در باب غسل و تیمم بدل از وضو و غسل مبتنی بر این است که قاعده تجاوز مختص باب صلاة نباشد. مرحوم نائینی (ره) و جمعی دیگر معتقد شده‌اند که قاعده تجاوز مختص باب صلاة است و در غیر باب صلاة جاری نمی‌شود، لکن در مقابل اینها، عده‌ای دیگر معتقدند که قاعده تجاوز مختص باب صلاة نیست و در هر واجب مرکبی قابل جریان است که در این صورت، قاعده تجاوز در باب غسل و تیمم بدل از غسل و وضو نیز قابل جریان است. بنابراین، به نظر می‌رسد که همان‌گونه که قاعده فراغ تعمیم دارد و همه مرکبات ذو اجزاء را شامل می‌شود، قاعده تجاوز نیز تعمیم دارد و همه مرکبات ذو اجزاء را شامل می‌شود و فقط یک استثناء دارد و آن هم باب وضو است. اطلاعات و عموماتی که وارد شده‌اند بر این مطلب دلالت دارند که قاعده تجاوز در همه مرکبات جاری می‌شوند و اختصاص به باب صلاة ندارند. دو روایت ذیل بر این مطلب دلالت می‌کنند؛

روایت اول: صحیح زرارہ: عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): رَجُلٌ شَكَّ فِي الْأَذَانِ وَقَدْ دَخَلَ فِي الْإِقَامَةِ، قَالَ: «يَمْضِي»، قُلْتُ: رَجُلٌ شَكَّ فِي الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ وَقَدْ كَبَّرَ، قَالَ: «يَمْضِي»، قُلْتُ: رَجُلٌ شَكَّ فِي التَّكْبِيرِ وَقَدْ قَرَأَ، قَالَ: «يَمْضِي»، قُلْتُ: شَكَّ فِي الْقِرَاءَةِ وَقَدْ رَكَعَ، قَالَ: «يَمْضِي»، قُلْتُ: شَكَّ فِي الرُّكُوعِ وَقَدْ سَجَدَ، قَالَ: «يَمْضِي عَلَى صَلَاتِهِ»؛ ثُمَّ قَالَ: «يَا زُرَّارَةُ إِذَا خَرَجْتَ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ دَخَلْتَ فِي غَيْرِهِ فَشَكَّكَ لَيْسَ بِشَيْءٍ»^۱.

روایت دوم: عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ قَالَ: «إِنْ شَكَّ فِي الرُّكُوعِ بَعْدَ مَا سَجَدَ فَلْيَمْضِ وَإِنْ شَكَّ فِي السُّجُودِ بَعْدَ مَا قَامَ فَلْيَمْضِ، كُلُّ شَيْءٍ شَكَّ فِيهِ مِمَّا قَدْ جَاوَزَهُ وَدَخَلَ فِي غَيْرِهِ فَلْيَمْضِ عَلَيْهِ»^۲.

نسبت به قاعده فراغ، گفته شده است که بحثی نیست که ادله قاعده فراغ تعمیم دارد و هم صلاة و هم غیر صلاة که عبارت از حج، طهارات ثلاث [وضو، غسل و تیمم] و امثال آن می‌باشند را شامل می‌شود و دلیل این تعمیم و شمول این است که قاعده فراغ یک قاعده عرفی عقلایی عامی است، یعنی عقلاء می‌گویند که وقتی شخص کاری را انجام داد و بعد از انجام در صحت آن کار شک کرد، اصل عدم سهو و عدم غفلت است و اصل این است که آن کار درست انجام شده است و شارع نیز این اصل عقلایی را امضا کرده است و فرموده است که اگر از عملی، مثل نماز، وضو، غسل و امثال آن فارغ شدید و سپس شک کردید که آیا آن عمل به صورت صحیح انجام شده است یا به صورت صحیح انجام نشده است بر صحت آن عمل بنا گذاشته می‌شود.

مؤید این بنای عرفی عقلایی که شارع آن را امضا کرده است، روایاتی است که در این رابطه وارد شده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: ذیل روایت صحیح زرارہ: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «... فَإِذَا قُمْتَ عَنِ الْوُضُوءِ وَفَرَّغْتَ مِنْهُ وَقَدْ صِرْتَ فِي حَالٍ أُخْرَى فِي الصَّلَاةِ أَوْ فِي غَيْرِهَا فَشَكَّكَتَ فِي بَعْضِ مَا سَمَى اللَّهُ مِمَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْكَ فِيهِ وَضُوءُهُ لَا شَيْءَ عَلَيْكَ فِيهِ، فَإِنْ

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، کتاب الصلاة، ابواب الخلل الواقع فی الصلاة، باب ۲۳، ص ۲۳۷، ح ۱.

۲. همان، ج ۶، کتاب الصلاة، ابواب السجود، باب ۱۵، ص ۳۶۹، ح ۴.

شَكَكَتَ فِي مَسْحِ رَأْسِكَ فَأَصَبْتَ فِي لِحْيَتِكَ بَلَلًا فَامْسَحْ بِهَا عَلَيْهِ وَ عَلَى ظَهْرِ قَدَمَيْكَ، فَإِنْ لَمْ تُصِبْ بَلَلًا فَلَا تَنْقُضِ الْوُضُوءَ بِالشَّكِّ وَ اَمْضِ فِي صَلَاتِكَ...»^۱.

روایت دوم: موثق ابن ابی یغفور: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا شَكَكَتَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْوُضُوءِ وَقَدْ دَخَلْتَ فِي غَيْرِهِ فَلَيْسَ شَكُّكَ بِشَيْءٍ إِلَّا الشَّكُّ إِذَا كُنْتَ فِي شَيْءٍ لَمْ تَجْزِهِ»^۲.

روایت سوم: موثق بکیر بن اعین: عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعِينٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَشْكُ بَعْدَ مَا يَتَوَضَّأُ، قَالَ: «هُوَ حِينَ يَتَوَضَّأُ أَذْكَرُ مِنْهُ حِينَ يَشْكُ»^۳.

اما نسبت به قاعده تجاوز دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه اول، اینکه قاعده تجاوز تعمیم دارد و به باب صلاة اختصاص ندارد و مورد، مخصّص نیست و دیدگاه دوم، اینکه قاعده تجاوز به باب صلاة اختصاص دارد، مرحوم نائینی (ره) و جمعی دیگر معتقد شده‌اند که قاعده تجاوز مختص باب صلاة است و در غیر باب صلاة جاری نمی‌شود. بنابراین، در رابطه با قاعده تجاوز اختلاف واقع شده است که آیا این قاعده به باب صلاة اختصاص دارد یا اینکه این قاعده هر مرکبی که دارای اجزاء و خصوصیات است را شامل می‌شود و فقط یک مورد استثنا شده است و آن، وضو است که روایت وارد شده است و وضو را خارج کرده است.

ادله دیدگاه اول [تعمیم قاعده تجاوز]، روایاتی است که در این رابطه وارد شده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: «... كُلُّ شَيْءٍ شَكٌّ فِيهِ مِمَّا قَدْ جَاوَزَهُ وَ دَخَلَ فِي غَيْرِهِ فَلْيَمْضِ عَلَيْهِ»^۴.

تعبیر «کُلُّ شَيْءٍ شَكٌّ فِيهِ» که در این روایت آمده است تعمیم دارد و هر مرکب ذو اجزائی را شامل می‌شود و اختصاص به باب صلاة ندارد، به خصوص اینکه لفظ «شئی» مدخول کلمه «کل» واقع شده است و خود این نشان دهنده این است که بر عموم دلالت دارد.

روایت دوم: صحیح زرارہ: عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): رَجُلٌ شَكَّ فِي الْأَذَانِ وَقَدْ دَخَلَ فِي الْإِقَامَةِ، قَالَ: «يَمْضِي»... ثُمَّ قَالَ: «يَا زُرَّارَةُ إِذَا خَرَجْتَ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ دَخَلْتَ فِي غَيْرِهِ فَشَكُّكَ لَيْسَ بِشَيْءٍ»^۵.

کلمه «شئی» که در این روایت آمده است هر مرکب ذو اجزائی را شامل می‌شود و اختصاص به صلاة ندارد.

ادله دیدگاه دوم [اختصاص قاعده تجاوز به باب صلاة]

مرحوم نائینی (ره) که از قائلین این دیدگاه است، گفته است که قبول داریم که معنای کلمه «شئی» و «کل» که در روایات آمده است، عام است، لکن این دو در مقام بیان قاعده و ضابطه مربوط به نماز می‌باشند. ایشان به روایت عمّار به عنوان شاهد کلام خود استناد کرده است؛

۱. همان ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۲، ص ۴۶۹، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

۳. همان، ص ۴۷۱، ح ۷.

۴. همان، ج ۶، کتاب الصلاة، ابواب السجود، باب ۱۵، ص ۳۶۹، ح ۴.

۵. همان، ج ۸، کتاب الصلاة، ابواب الخلل الواقعة في الصلاة، باب ۲۳، ص ۲۳۷، ح ۱.

عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: «يَا عَمَّارُ أَجْمَعُ لَكَ السَّهْوُ كُلُّهُ فِي كَلِمَتَيْنِ مَتَى مَا شَكَّكَتَ فَخُذْ بِالْأَكْثَرِ فَإِذَا سَلَّمْتَ فَأَتِمَّ مَا ظَنَنْتَ أَنَّكَ نَقَصْتَ»^۱.

امام صادق (ع) به عمار فرموده است که ای عمار شک را در دو کلمه برای تو بیان می‌کنم، هرگاه [در نماز] شک کردی بنا را بر مقدار بیشتر بگذار، پس زمانی که سلام دادی، آنچه را که گمان داری کم گذاشته‌ای، تکمیل کن [، مثلاً اگر بین سه و چهار شک کردی، بنا را بر چهار بگذار و نمازت را تمام کند و بعد از اینکه سلام دادی با نماز احتیاط آن ناقصی را تکمیل کن].

مرحوم نائینی (ره) گفته است که اینکه امام صادق (ع) در روایت مذکور، فرموده است: «متی ما شککت»، در مقام بیان ضابطه کلی در خصوص نماز است، بنابراین، درست است که لفظ «شیء» و «کل» بر عموم دلالت دارند، ولی هر تعمیمی به حسب خودش است، و منظور این است که در هر موردی از اجزاء و خصوصیات نماز شک حاصل شود، قاعده تجاوز جاری می‌شود لذا قاعده تجاوز به باب صلاة اختصاص دارد و غیر نماز را شامل نمی‌شود.

در پاسخ از مرحوم نائینی (ره) عرض می‌شود، ظاهر این است که قاعده تجاوز اختصاص به باب صلاة ندارد و اگر این مسأله در باب صلاة وارد شده است، عرض می‌شود که مورد، مخصّص نیست و لذا قابل تسری به غیر باب صلاة نیز می‌باشد. بنابراین، قاعده تجاوز تعمیم دارد و هر مرکب ذو اجزائی را شامل می‌شود و فقط این تعمیم یک استثنا خورده است و آن، باب وضو است که اجماع و صحیح زراعه^۲ بر این دلالت دارند که در رابطه با باب وضو، قاعده تجاوز جاری نمی‌شود، پس قاعده تجاوز به باب صلاة اختصاص ندارد و هم نماز و هم غیر نماز را شامل می‌شود.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. همان، باب ۸، ص ۲۱۲، ح ۱.

۲. همان، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۲، ص ۴۶۹، ح ۱.